

وقایع اسرائیلیه

گزارش «وقایع اسرائیلیه» از نظام سیاسی رژیم عبری

اسرائیل از درون



فازنه کلایمی

کنست، پارلمان رژیم صهیونیستی، با وجود ساختار دموکراتیک و پارلمانی نه تنها ضامن ثبات سیاسی نیست، بلکه به عرصه‌ای پر تنش از رقابت‌های حزبی و ائتلاف‌های شکننده بدل شده است. نظام نمایندگی تناسبی و نقش تعیین‌کننده احزاب کوچک، اسرائیل را گرفتار بحران‌های سیاسی پیاپی و آینده‌ای مبهم کرده است.

کنست؛ قلب متلاطم قدرت

کنست، پارلمان رژیم صهیونیستی با ۱۲۰ کرسی، به عنوان تنها نهاد قانون‌گذاری و مرجع رسمی تصویب قوانین در رژیم شناخته می‌شود. این نهاد که در اورشلیم مستقر است، علاوه بر قانون‌گذاری، در روند تدوین قانون اساسی، نظارت بر عملکرد دولت و حتی برخی وظایف شبه قضایی نیز نقش ایفا می‌کند. کنست بر پایه نظام نمایندگی تناسبی و از طریق انتخابات سراسری شکل می‌گیرد. شهروندان اسرائیلی به فهرست احزاب رأی می‌دهند، نه به نامزد های منفرد. هر حزبی که بتواند حداقل ۲ درصد آرا را کسب کند، به تناسب رأی خود صاحب کرسی در پارلمان خواهد شد. فهرست نمایندگان هر حزب نیز پیش از انتخابات از طریق رأی‌گیری درون حزبی تنظیم می‌شود. به طور مثال، اگر حزبی ۱۰ کرسی کسب کند، ۱۰ نفر اول فهرست آن وارد کنست می‌شوند. دوره نمایندگی در کنست چهار سال است، اما این دوره می‌تواند زودتر خاتمه یابد. نمایندگان در صورت تصویب اکثریت آرای می‌توانند انتخابات زودهنگام برگزار کنند. همچنین تمدید دوره کنست تنها در شرایط خاص و با رأی موافق حداقل ۸۰ نماینده امکان پذیر است. نخست‌وزیر نیز توسط کنست انتخاب می‌شود. فرد پیشنهادی برای این سمت باید عضوی از کنست باشد و موفق به کسب رأی اعتماد اکثریت نمایندگان شود. دوره نخست‌وزیری نیز چهار ساله تعریف شده، اما رأی عدم اعتماد می‌تواند به پایان زودهنگام این دوره منجر شود. در این صورت، فرد جایگزین باید ظرف ۴۵ روز کابینه خود را معرفی کرده و رأی اعتماد کنست را جلب کند. آرنجاکه هیچ یک از احزاب اسرائیلی تاکنون موفق به کسب اکثریت مطلق در کنست (۶۱ کرسی) نشده‌اند، تشکیل دولت همواره نیازمند ائتلاف‌های چند حزبی بوده است. پس از انتخابات، رئیس‌جمهور اسرائیل مأمور تشکیل دولت را منصوب می‌کند. انتخاب این فرد الزامی به رهبر حزبی که بیشترین کرسی را به دست آورده ندارد؛ بلکه رئیس‌جمهور شخصی را برمی‌گزیند که از نگاه او، توانایی بیشتری در ایجاد ائتلاف و کسب حمایت اکثریت را دارا است. در فرایند تشکیل دولت، نخست‌وزیر پیشنهادی ناگزیر است بخشی از کرسی‌های کابینه را به احزاب کوچک‌تر شریک در ائتلاف واگذار کند. این احزاب که اغلب نقشی کلیدی در توازن سیاسی کنست دارند، از چنین فرصت‌هایی برای پیشبرد مطالبات سیاسی، مذهبی یا اقتصادی خود بهره می‌برند. در صورتی که فرد مأمور تشکیل دولت در این مسیر ناکام بماند و جانشین وی نیز موفق به تشکیل دولت نشود، کنست منحل شده و فرایند برگزاری انتخابات زودهنگام مجدداً آغاز خواهد شد.

بلوک‌های قدرت و بازی ائتلاف‌ها

تاریخچه احزاب سیاسی در اسرائیل به دوران پیش از شکل‌گیری این رژیم بازمی‌گردد. در آن دوره، جریان‌های صهیونیستی با هدف مشترک ایجاد «اسرائیل بزرگ»، اقدام به تشکیل نخستین هسته‌های تشکیلاتی خود کردند. صهیونیست‌ها که در دوران حضور خود در اروپا با موجی از مخالفت‌های عمومی ناشی از عملکرد و ویژگی‌های خاص سیاسی و اجتماعی مواجه بودند، تلاش کردند با ایجاد نهادهای سیاسی، زمینه‌های قدرت‌یابی خود را فراهم سازند. این اقدامات، هم‌زمان با نفوذ در

شبکه‌های مالی بین‌المللی، بستری برای تبدیل صهیونیسم به یک قدرت سیاسی مؤثر فراهم کرد. به همین دلیل، سابقه شکل‌گیری احزاب صهیونیستی به پیش از جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. در ساختار سیاسی رژیم اسرائیل، احزاب سیاسی نقش محوری دارند و می‌توان آن‌ها را از اصولی‌ترین منابع قدرت در این نظام سیاسی به شمار آورد. در حال حاضر کنست بیست و پنجم متشکل از ۱۴ حزب است که مهم‌ترین آنها، احزاب Likud (لیکود)، Yesh Atid (یش عتید) و Shas (شاس) هستند که مجموعاً بیش از ۶۶ کرسی را در اختیار دارند.

حزب لیکود به رهبری بنیامین نتانیاهو، از سال ۲۰۰۹ تا کنون زمام امور دولت اسرائیل را در دست داشته و بزرگ‌ترین فراکسیون کنست به شمار می‌آید. این حزب در سال ۱۹۷۳ با ادغام چند جریان راست‌گرا و به رهبری مناحیم بگین تأسیس شد و به طور سنتی با هرگونه امتیاز ارضی به فلسطینیان مخالف بوده است. لیکود هدایت جناح راست و مذهبی کنست را برعهده دارد؛ ائتلافی که شامل احزابی مانند شاس، یهودیت تورات متحد، صهیونیسم مذهبی و یامینا است. با وجود ابراز تمایل نتانیاهو به تشکیل کشور فلسطینی در گذشته، این حزب در سال ۲۰۱۷ الحاق کرانه باختری را به تصویب رساند و از طرح‌های یک جانبه برای الحاق شهرک‌های یهودی نشین و دره اردن حمایت کرده است. همچنین، نتانیاهو از «طرح صلح تا سعادت» دولت ترامپ پشتیبانی کرد؛ طرحی که در ظاهر مبتنی بر راه حل دو کشوری بود، اما عملاً سلطه امنیتی دائمی اسرائیل را بر نهاد فلسطینی در نظر می‌گرفت. از منظر اقتصادی، لیکود از سیاست‌های بازار آزاد و لیبرالیسم اقتصادی حمایت می‌کند؛ وجه تمایزی که این حزب را از رقیب سنتی خود، حزب کارگر با گرایش‌های سوسیالیستی، متمایز کرده است. هرچند این تمایز پس از خصوصی‌سازی‌های گسترده دهه ۱۹۸۰ کم‌رنگ‌تر شده است. وفاداری شدید لیکود به نتانیاهو، حتی در سایه اتهامات فساد مالی، از ویژگی‌های بارز این حزب در سال‌های اخیر بوده است. در مقابل، حزب Yesh Atid (یش عتید) به رهبری Yair Lapid (یائیر لاپید)، روزنامه‌نگار سابق، پس از انتخابات اخیر به دومین حزب بزرگ کنست و رهبر اپوزیسیون تبدیل شد. این حزب در سال ۲۰۱۲ تأسیس شد و پس از ورود قدرتمند به کنست، به سرعت به بازیگری کلیدی در سیاست اسرائیل بدل گردید. لاپید ابتدا با لیکود ائتلاف کرد و به عنوان وزیر دارایی فعالیت داشت، اما در پی اختلافات، به صف منتقدان نتانیاهو پیوست. یش آتید بر اصلاحات اجتماعی-اقتصادی، شفافیت در حکومت و مقابله با فساد تمرکز دارد. این حزب از اسرائیل یهودی، دموکراتیک و سکولار حمایت می‌کند و با نفوذ فزاینده احزاب مذهبی افراطی و خاخام‌ها در سیاست کشور مخالفت می‌ورزد. هرچند موضوع فلسطین در اولویت برنامه‌های آن نیست، لاپید از جدایی سیاسی از فلسطینی‌ها و راه حل دو کشوری دفاع کرده و خواهان اصلاح قانون جنجالی «دولت-ملت» است که اقلیت‌هایی همچون اعراب و دروزی‌ها آن را تبعیض‌آمیز می‌دانند.

حزب Shas (شاس)، نماینده جامعه یهودیان سفاردی و از احزاب مذهبی ارتدوکس غیردولتی یکی از بازیگران سنتی و تأثیرگذار سیاست اسرائیل است، هرچند نفوذ آن در کنست طی سال‌های اخیر کاهش یافته است. این حزب در برنامه‌های سیاسی خود، بر ارتقای نقش دین در ساختار دولت اسرائیل تأکید دارد و همواره خواستار افزایش بودجه برای نهادهای مذهبی و آموزش‌های دینی بوده است. موضع شاس در قبال مسئله فلسطین اغلب با انعطاف همراه بوده، به گونه‌ای که همین رویکرد میانه‌رو، این حزب را در ائتلاف‌سازی‌های سیاسی به یک بازیگر کلیدی بدل کرده است. نمونه بارز این امر، مشارکت شاس در ائتلاف حاکم کادیم-کارگر در سال ۲۰۰۶ بود. شاس در آن زمان به شرطی به این ائتلاف پیوست که حمایت از هرگونه عقب‌نشینی بیشتر از شهرک‌های یهودی نشین در کرانه باختری الزامی نباشد. این انعطاف سیاسی، در کنار پایگاه اجتماعی مذهبی،

موجب شده است تا شاس بتواند در شرایط حساس پارلمانی، موازنه قدرت در کنست را به نفع خود یا متحدانش تغییر دهد.

این تنوع حزبی، فضای سیاسی اسرائیل را به صحنه‌ای پیچیده و چندلایه تبدیل کرده که تشکیل دولت‌های ائتلافی را به یک ضرورت مستمر بدل ساخته است. این نوع نظام سیاسی به احزاب کوچک‌تر اجازه می‌دهد نقش تأثیرگذاری در سیاست ایفا کنند. همین مسئله در مواردی می‌تواند کار را برای تشکیل دولت سخت کند. به همین دلیل در طول سال‌های گذشته این رژیم، هیچ‌گاه حزبی نتوانسته اکثریت ۶۱ نفری کنست را برای تشکیل دولت کسب کند و ناچار به ائتلاف با دیگر احزاب است.

سیاست ناپایدار، قدرت شکننده

در رژیم اسرائیل هیچ حزبی تاکنون نتوانسته به تنهایی اکثریت مطلق (۶۱ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی کنست) را به دست آورد. این امر ریشه در ساختار تناسبی نظام انتخاباتی اسرائیل دارد که امکان حضور طیف متنوعی از احزاب را در پارلمان فراهم می‌کند؛ از جریان‌های راست‌گرای افراطی و مذهبی تا احزاب چپ‌گرا و عربی. در نتیجه تشکیل دولت در این رژیم همواره نیازمند ائتلاف‌های چند حزبی است؛ ائتلاف‌هایی که معمولاً شکننده و ناپایدار هستند. نقش تعیین‌کننده احزاب کوچک در این ائتلاف‌ها، ازجمله احزاب مذهبی مانند شاس و یهودیت متحد تورات یا احزاب عربی مانند رعم، بارها توازن قدرت را تغییر داده است. نمونه بارز این وضعیت در سال ۲۰۲۱ رخ داد؛ زمانی که حزب عربی رعم به رهبری منصور عباس برای نخستین بار به ائتلاف دولتی پیوست و با حمایت از دولت ائتلافی نفتالی بنت و یائیر لاپید، زمینه‌ساز تشکیل دولتی بدون حضور بنیامین نتانیاهو شد. این تصمیم تاریخی اگرچه مشارکت سیاسی اعراب را به سطح جدی‌تری رساند، اما با واکنش‌های تند و مخالفت‌هایی از سوی جریان‌های راست‌گرا و یهودی‌نشین ائتلاف را به چالش کشید. همین شکنندگی در ساختار ائتلافی، بار دیگر در سال ۲۰۲۲ خود را نشان داد. در آن سال، با خروج نماینده‌ای به نام عیدیت سیلمان از حزب یمینا از ائتلاف حاکم، دولت بنت سقوط کرد و موجبات برگزاری انتخابات زودهنگام را فراهم آورد. در پی این انتخابات که در نوامبر ۲۰۲۲ برگزار شد، جناح راست به رهبری نتانیاهو با کسب ۶۴ کرسی، موفق به تشکیل دولت شد. این دولت متشکل از حزب لیکود (۳۲ کرسی)، ائتلاف صهیونیسم مذهبی (۱۴ کرسی)، حزب شاس (۱۱ کرسی) و یهودیت متحد تورات (۷ کرسی) بود. کارشناسان این ائتلاف را «راست‌گراترین دولت تاریخ اسرائیل» توصیف کردند؛ چرا که ترکیبی از جریان‌های مذهبی و افراطی را در خود جای داده بود و با اعطای امتیازات سیاسی و اقتصادی قابل توجه به احزاب کوچک مذهبی، آن‌ها را با خود همراه کرد.

علت ناپایداری مکرر دولت‌ها در رژیم اسرائیل را باید در ماهیت ائتلافی ساختار سیاسی آن جست‌وجو کرد. نظام پارلمانی اسرائیل متکی بر احزاب متعدد و ایدئولوژیک است که برای رسیدن به قدرت، ناچار به ائتلاف می‌شوند؛ اما این ائتلاف‌ها نه به مبنای همگرایی سیاسی پایدار، بلکه بر پایه مصالح موقت و توافق‌های قابل فسخ شکل می‌گیرند. از این رو، شکست در اجرای توافقات یا اختلافات ایدئولوژیک، به سرعت منجر به فروپاشی دولت می‌شود.

ساختار حزبی متکثر و نبود اکثریت مطلق در کنست، موجب شده سیاست اسرائیل به طور مزمین با بی‌ثباتی مواجه باشد. ائتلاف‌های شکننده، رقابت‌های ایدئولوژیک و چانه‌زنی‌های سیاسی احزاب کوچک، فضای حکمرانی را به بستری پر نوسان تبدیل کرده‌اند که در آن تداوم دولت‌ها به سختی تحقق می‌یابد. این پدیده نه تنها عملکرد اجرایی دولت‌ها را محدود می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نظام سیاسی را نیز با چالش مواجه ساخته است.